

# حیوانات در اسلام

عبدالحمید حمدان



Foto Peter Bridgewater © Thames and Hudson, Londres

لیلة القدر (شب تقدیر) شبی که قرآن نازل شد و لیلة الاسراء والمعراج (شب مسافرت شبانه حضرت محمد ص، پیامبر اسلام از مکه به بیت المقدس و معراج ایشان به آسمان) از مهمترین شبهای سال اسلامی است. چگونه این مسافرت معجزه آسای شبانه از مکه به مدینه به وقوع پیوست؟ چگونه پیامبر چنین مسافتی را با این سرعت پیمود؟ بسیاری از تاریخ‌نویسان و مفسرین قرآن می‌گویند در آن شب پیامبر بر حیوانی به نام براق سوار شد که وی را با چنان سرعت معجزه آسایی حرکت داد که «در یک لحظه از چشم ناپدید شد». مفسرین این حیوان را نوعی اسب دانسته‌اند که «حیوانی با قامتی بین قاطر و الاغ» بوده است. بعضی از آنان اضافه می‌کنند که سفیدرنگ بوده و پشت و گوشه‌های کشیده داشته است. معنای براق بعدها گسترده شده، مفهومی مجازی پیدا کرد و پس از آن نیز چهره‌ی انسانی یافت.

جاحظ (متوفی به سال ۸۶۹ میلادی) نویسنده معروف عرب در باره حیوانات، در کتاب *الحيوان* خود نوشت که ویژگی حیرت‌انگیزی در عنکبوت است که بدون اینکه به وی آموخته شود، میدانند که چگونه تار بستند. بر طبق روایات، عنکبوتی، جان حضرت محمد ص پیامبر اسلام را در طی هجرتش از مکه به مدینه در لحظه‌ای خطیر نجات داد. حضرت محمد ص با اتفاق ایوبکر در غاری پناه گرفت. قریشی‌ها که در تعقیب حضرت محمد ص بودند، با دیدن تارهای عنکبوت بر در غار، آنجا را جست و جو نکردند؛ چون کسی نمی‌توانست بدون پاره کردن تارهای عنکبوت به غار وارد شود. بدین طریق نام عنکبوت در قرآن ذکر شد و بیست و نهمین سوره قرآن به آن نام نامیده شد.

در عربستان، مهد اسلام، حیوانات اهلی ویژه‌ای، مانند اسب، شتر و بز نقش مهمی در زندگی مسلمانان دارند و به آنها صفات خوب و بد انسانی نسبت داده شده است. مثلاً گفته شده خروس بخشنده است، سوسمار فریب‌کار است و شیر پر جرات و هوبره احمق. بعلاوه تعدادی از قبایل عرب و ترک نام خود را از حیوانات گرفته‌اند؛ مانند قبایل بنی اسد (شیر)، بنی کلب (سگ)، یا بنی قریش (که سه ماهی)، خرافات عامیانه، به بعضی از حیوانات قدرتی جادویی نسبت داده است و این حیوانات به عنوان صاحبان ارواح خبیثه شناسایی شده‌اند. در افسانه‌های تخیلی عامیانه و در معجزاتی که توسط مقدسین انجام می‌گرفته حیوانات به انسان تغییر شکل می‌دادند. بعضی از گونه‌های حیوانات محافظین مقدسی از بین روحانیان دارند که غالباً شکل حیوانی را که از آن محافظت می‌کنند به خود می‌گیرند.

تعدادی از حیوانات را با جادو در ارتباط می‌بینند و بسیاری از دانشمندان مفسلاً در باره اینکه ظاهر شدن حیوانی را در خواب چگونه باید تعبیر کرد مطلب نوشته‌اند. در صحراها حیواناتی افسانه‌ای مانند غول‌ها (گوریل‌ها) وجود داشتند. جن‌ها (ارواح) نیز زمانیکه می‌خواستند به انسان‌ها نزدیک شوند، این شکل را به خود می‌گرفتند. در عربستان قبل از اسلام، جن‌ها، حوریان و شیاطین صحرا بودند. آنها جنبه‌ای از طبیعت را مجسم می‌کردند که تسلیم انسان نشده، نسبت به او خصومت روا داشته است. آنها در ادبیات عامیانه مکرراً به تصویر کشیده شده‌اند، مخصوصاً در اولین بخش هزار و یکشب، جایی که آنها اغلب خود را به شکل حیواناتی مانند میمون، گربه و یا سگ درمی‌آوردند تا نسبت به انسان رفتاری خصمانه داشته باشند.

اما «غول‌ها» این حیوانات شگفت‌انگیز قادر بودند که دائماً تغییر شکل دهند و در چشم مسافران یا صورت‌های جذاب و اغواکننده‌ی ظاهر شوند ولی همیشه از روی پاهای سم مانندشان شناسایی می‌شدند. این قدرت تغییر شکل و رنگ ضرب‌المثل شد.

حیوانات دیگر افسانه‌ای نیز که اکثراً پرنده هستند، مانند «عنقا»، «رخ» (رکب) و «سیمرغ» مکرراً در داستانهای عامیانه ظاهر می‌شوند. «اصحاب الراس» - از طوایف قبل از اسلام - قربانی پرنده‌ی به نام «عنقا» شدند که خود را به شکل تازیانه‌ای درآورد. مقابله با غارتگری این پرنده را به حنظل بن صفوان علیه السلام نسبت داده‌اند. بعد از ظهور اسلام «عنقا» یا «سیمرغ» که در ادبیات ایران دارای نقشی مهم است یکی انگاشته شد. در بعضی از بخش‌های دنیای اسلام، مخصوصاً در افریقای شمالی، داستان‌های حیوانات در ادبیات عامه بخش مهمی از ادبیات شفاهی سنتی را تشکیل می‌دهند. نقش اصلی را شغال (ابن آوا) که نیمه گرگ و نیمه روباه است بازی می‌کند.

حیوان‌شناسی هرگز موضوعی مورد پسند دانشمندان اسلامی نبوده است و علی‌رغم ترجمه کتاب تاریخ حیوان افلاطون توسط یحیی بن البطرئق، در قرن نهم، این کتاب جای مهمی در آثار کلاسیک مربوط به فرضیه‌های رده‌بندی علوم احراز نکرد. بلکه بخشی از علوم طبیعی را تشکیل داد و فارابی آنرا با مطالعه ارواح ارتباط داد. شاید این امر به سبب عدم وجود پژوهش‌های سازمان یافته و آثار تخصصی با ویژگیهای اصیل علمی است. اثر بیادماندنی جاحظ در باره حیوانات که در بالا به آن اشاره شد، کتابی در باره حیوان‌شناسی نیست، بلکه کتابی مذهبی است و دارای ارجاعات ادبی است که با روایات شفاهی

▲ سیمرغ، مرغی باشکوه که در اشعار تمثیلی منطق الطیر، اثر شاعر متصوف ایرانی، فریدالدین عطار (وفات ۶۱۸ هـ ق)، ظاهر می‌شود. این نقاشی بر مبنای توضیحات یکی از نسخ خطی مربوط به قرن ۱۵ میلادی کشیده شده است.

تصویری از یک نسخه خطی کلیله و دمنه، ترجمه عربی مجموعه‌ای از داستانهای هندی در باره حیوانات که برای تربیت شاهزادگان تنظیم شده و تنظیم آنرا به پدیدای، برهمن افسانه‌ای هند، نسبت داده‌اند. تصویر گفتگوی بین پرنده «فانزا» و سلطان را نشان می‌دهد که در آن سلطان می‌گوید که ما به تو خیانت کرده‌ایم و تو هم انتقام خود را گرفته‌ای پس اکنون با هم برابریم. به نزد ما برگرد و نترس. و پرنده پاسخ می‌دهد خیر من به نزد شما باز نخواهم گشت.

قَالَ الْمَلِكُ قَدْ لَعِمَّ رِي غَدْرِي بَانِيكَ مَا نَعَمْتُ مَا أَقْبَلْتُ لِقَابِنَا وَلَا لِنَا قَبْلَكَ وَنَسَى

والدرك



مَطْلُوبٌ فَارْجِعِ الْبَيْتَ آمِنًا قَالَ فَزَعَمْتُ بِرَاجِعِ الْبَيْتِ أَبَدًا فَازِدُوكِ الْبَيْتَ

اشعار جذابی نیز در باره حیوانات خانگی مخصوصاً در باره حیواناتی نظیر بزها، گربه‌ها و پرندگان نوشته شدند. در قرون بعدی کلاغ و شیر موضوعات مورد توجه شعرا باقی ماندند که اولی نمادی از غم و جدایی و دومی از قدرت و بی‌باکی است که موضوعات مورد توجه و محبوب اعراب است.

در بین آثار منثور، کلیه و دمنه که ترجمه مجموعه‌ای از افسانه‌های هندی در باره حیوانات است و در اروپا به نام داستانهای بیدبای شناخته شده، برای بسیاری از افراد کتابی شگفت و آموزنده بوده است. مقصود از نگارش این کتاب در اصل این بوده که از طریق افسانه‌هایی که از زبان حیوانات نقل می‌شود، به شاهزادگان هندی عقل و حکمت آموخته شود. این روش جدید ادبی از موفقیت عمومی بزرگی برخوردار شد و بزودی بخشی از میراث ادبیات عربی و اسلامی گردید و بسیاری از نویسندگان و هنرمندان را الهام بخشید.

تصویر کردن حیوانات در کشورهای اسلامی، به سبب ویژگی خاص هنر آرایش در تمدن اسلام، یعنی انتزاعی بودن و اجتناب از هر نوع تجسم بت‌پرستانه، جای مهمی ندارد. هر یک از گونه‌های حیوانات متناسب با ایده‌های گرفته شده از ادبیات، از زندگی روزمره و یا اهمیت سمبولیک و سحرآمیز خود نمایانده می‌شوند. در دوره امویان از تصاویر حیوانات برای تزئین و برای نشان دادن شکوه و قدرت حکومت استفاده می‌شد. نقش حیواناتی مانند شیرها و پرندگان شکاری که در میلان‌های سلطنتی کراراً ظاهر شده برای نشان دادن سمبول عظمت پادشاهی بکار می‌رفته است. علاقه به انتخاب نقش حیوانات در تصاویر بعدها خیلی بیشتر رواج یافت و در ایران، عراق، مصر و بعدها در ترکیه عثمانی به اوج خود رسید. در این کشورها، صحنه‌هایی از زندگی روزمره (شکار، پرورش و تربیت حیوانات) کراراً به تصویر کشیده شده‌اند. نقاشان و مینیاتورست‌های مسلمان نیز حیوانات را تصویر کرده‌اند ولی به گونه‌ای معنی‌داری کاملاً متفاوت و با تفسیر و سبکی خاص و البته همراه با دقت و حتی واقعگرایی.

عبدالحمید حمدان، کارشناس مصری تاریخ اسلام و نویسنده چند پژوهش علمی در باره اسلام است و در حال حاضر تعدادی نسخه خطی را در باره تاریخ، علوم و تصوف و عرفان ویرایش می‌کند.

غنی‌تر شده است. همین مطلب را می‌توان در باره کتاب *حیات الحیوان* (۱۳۷۱ میلادی) نوشته «ابن دمیسی» (متوفی به سال ۱۴۰۵ میلادی) اظهار داشت چون این کتاب هم طبقه‌بندی جدیدی ارائه نمی‌دهد و فقط نظریه جاحظ را مجدداً نقل می‌کند.

البته پزشکان و طبیعی‌دانان به حیوانات توجه داشتند، ولی تنها شاخه‌هایی از علم حیوان‌شناسی که بصورتی کامل و سیستماتیک مورد مطالعه قرار گرفتند، اسب‌شناسی در فن مداوای امراض اسب و پرندشناسی در رابطه با تربیت شاهین برای شکار بوده است. بسیاری از گونه‌های حیوانات در اشعار عربی قبل از اسلام مقام والایی داشتند و شترها، اسب‌ها و حیوانات دیگر، بعد از ظهور اسلام در اشعار اسلامی توصیف شدند.

صورت فلکی قنطورس و اسد به صورتی که در کتاب *صور الكواكب* عبدالرحمن صوفی (۲۹۱-۳۷۶ هـ ق) نشان داده شده است. نویسنده با الهام از سنن یونان قدیم، صور فلکی را به وسیله حیوانات، شکلهایی از انسان و یا اشیاء نشان داده است.

